

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

مقدمات؛ عقل

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: محمد نقوی

تاریخ: ۱۳۹۴/۳/۹

آیا عقل هر فرد این قدر بالغ هست که بتواند معیار تشخیص باشد؟

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۴/۳/۱۰

عقل هر فرد، هرگاه این قدر بالغ باشد که بتواند معیار تشخیص باشد، مکلف محسوب می‌شود و هرگاه به این قدر از بلوغ نرسیده باشد، مکلف محسوب نمی‌شود، مانند عقل کودکان و دیوانگان؛ چراکه تکلیف، مبتنی بر قدرت تشخیص است و تکلیف کسی که از این قدرت برخوردار نیست، بر خلاف عدالت است، در حالی که خداوند ظالم نیست؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدٍ﴾**^۱؛ «و هرآینه خداوند ظلم کننده‌ی به بندگان نیست». از اینجا دانسته می‌شود عقل کسانی که مکلف محسوب می‌شوند، این قدر بالغ هست که بتواند معیار تشخیص باشد، اگرچه سطوح و مراتب مختلفی داشته باشد؛ چراکه به تعبیر دقیق حضرت منصور هاشمی خراسانی در کتاب شریف «بازگشت به اسلام»^۲، «عقل به معنای نیروی اندیشه و دانایی، اگرچه در برخی انسان‌ها بیشتر از برخی دیگر است، در همه‌ی انسان‌ها به قدر کافی وجود دارد و همین برای وحدت آن به عنوان معیار شناخت کافی است؛ زیرا خداوند عادل، به هر انسان مکلفی بهره‌ی کافی از عقل بخشیده و فزونی آن در برخی، فضلی است که به آنان بخشیده است، بی‌آنکه ظلمی به برخی دیگر باشد؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾**^۳؛ >خداوند برای هر کس که خواهد می‌افزاید و خداوند وسعت‌دهنده‌ای داناست!< همچنین عقل برخی انسان‌ها، در فرآیندی طبیعی و متقابل، عقل برخی دیگر را کامل می‌کند؛ چراکه آن‌ها با یکدیگر در تعامل اند و از طریق هم‌اندیشی، عقلی جمعی را پدید می‌آورند که نقصان عقل فردی را جبران می‌کند؛ چنانکه خداوند فرموده

۱. آل عمران / ۱۸۲

۲. ص ۲۲ و ۲۳

۳. البقرة / ۲۶۱

است: ﴿وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا﴾؛ «و برخی را بر برخی دیگر در رتبه برتری دادیم تا برخی شان برخی دیگر را به خدمت بگیرند!».»

باری به هر جهت، روشن است که عقل آدمی، تنها ابزار او برای تشخیص است؛ زیرا اگر او نتواند با عقل خود تشخیص دهد، با کجایش تشخیص تواند داد؟! آری، عقل او هنگامی قادر به تشخیص خواهد بود که به موانع شناخت مبتلا نباشد؛ چراکه موانع شناخت، او را از تشخیص باز خواهند داشت و این علت عدم تشخیص در بسیاری از مردم است؛ با توجه به اینکه آن‌ها به موانعی مانند جهل، تقلید، اهواء نفسانی، دنیاگرایی، تعصب، تکبر و خرافه‌گرایی مبتلا هستند و از این رو، نمی‌توانند آن گونه که باید، از عقل خود استفاده کنند. از اینجا دانسته می‌شود که علت تشخیص ندادن مردم را باید در «موانع شناخت» جست، نه در «معیار شناخت»؛ زیرا معیار شناخت، نوری از عالم ملکوت است که در آن هیچ ظلمتی نیست، ولی این موانع شناخت‌اند که مانند حجاب‌هایی مانع از رسیدن آن به برخی از چیزها می‌شوند و آن‌ها را در تاریکی فرو می‌برند.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورهاشی خراسانی
مجلس خبری تقدیرها

